

تراژدی انسانی در آفریقا و دست های امپریالیسم در آن

در صفحه ۸

«به سواران فلق»

برای نجات جان زندانیان
سیاسی

«هم آوا شویم»

نفسی مانده به صبح
ای سواران مقاوم،
در بند!

گویی از رنج گرانقدر شماست
که فلق،

رنگ شقایق دارد!

چه صدایی دارد،

چهچه بلبل مست!

بوی آواز شما،

از نفسش می آید!

گویی آواز سفر می خواند،

به بلندای امید.

رد آواز شما،

در رگ بلبل جاری است

و صدا،

می ماند،

تا جهان زنده و جاری است،

صدا،

می ماند،

گرچه بر دار رود،

حنجره ای!

شب اگر بست،

در خانه روز،

می گشاید خورشید،

طالع روز

بلند،

پشت هر پنجره ای!

نفسی مانده،

به دیدار شما،

ای سواران مقاوم،

در بند!...

م. نوید

در این شماره

مشکلات اعتباری تعاونی های روستایی	۲ ص
واگذاری صنعت پتروشیمی به بخش خصوصی	۲ ص
یورش پلیس ترکیه به پناهجویان ایرانی	۳ ص
ترور و آدم ربایی سیاست روزمره رژیم «ولایت فقیه»	۳ ص
سیاست غیرعادلانه مالیاتی فشار کمر شکنی بر طبقه کارگر	۵۴ ص
سالگرد انقلاب اکتبر در مسکو	۷ ص

فراخوان «اتحاد حزب ها و نیروهای ملی ایران» و پاسخ ما

در بیانیه ای که از سوی «اتحاد حزب ها و نیروهای ملی ایران» (حزب ملت ایران، حزب مردم ایران، حزب زحمتکشان ملت ایران، و جنبش برای آزادی ایران) انتشار یافت، ضمن اعلام پیش شرط های این سازمان ها برای برگزاری «یک گزینش ملی» از جمله: «پاس داشتن آزادی گفتار و نوشتار و گردهمایی و جلوگیری از تجاوز گروه های فشار، آزاد گذاردن همه حزب ها و جمعیت های دگراندیش و نیر اتحادیه ها، انجمن ها و کانون ها و به طور کلی نهاد های صنفی هر گروه اجتماعی...»، آمده است: «زمامداران کنونی کشور هرچه در صحنه های سیاست جهانی و اداره کارها در مانده تر می شوند بر موج سرکوب و اختناق می افزایند به گونه ای که این روزها برای حفظ آرامش ظاهری، شهرهای کوچک و بزرگ قدم به قدم زیر پوشش گماشتگان امنیتی و نیروهای انتظامی است و مردم در هیچ کجا از خانه تا کوی و برزن از ایمنی و احترام انسانی برخوردار نمی باشند و به بهانه های گوناگون دختران و پسران جوان مورد ضرب و شتم قرار می گیرند... در این رهگذر نباید به تضاد و اختلاف های ظاهری و جنجالی طیف های جمهوری اسلامی بها داد و هیچیک را تافته جدا بافته تصور کرد زیرا بررسی عملکردهای یکایک سران آنان پس از پیروزی انقلاب نشان دهنده همسانی اندیشه ای و رفتاری آنهاست...» بیانیه ضمن هشدار پیرامون شرایط خطرناک کشور و ضرورت تشدید مبارزه علیه رژیم خودکامه نتیجه می گیرد: «در چنین هنگامه ای سازمان های سیاسی و تشکل های حرفه ای حق طلب وظیفه دارند به دور از هرگونه فرقه گرایی و با کنار گذاردن پیشداوری های نادرست زمینه زنده داشت همبستگی همگانی را فراهم آورند و به فشرده تر کردن صف مردم جان به لب رسیده یآوری دهند...»

حزب توده ایران نیز بر این عقیده است که در شرایط دشوار و خطرناک کنونی، می بایست تلاش کرد و جنبش آزادی خواهی و ضد استبدادی مردمی را در درون کشور علیه رژیم «ولایت فقیه» سازمان دهی کرد. اکنون مدتهاست که سازمان ها، احزاب و گروه های مختلف از چنین ضرورتی سخن می گویند، درباره آن اطلاعیه و اعلامیه صادر می کنند ولی هنوز مردم جان به لب رسیده از داشتن یک جبهه واحد که در مقابل رژیم استبدادی کنونی با برنامه و خواست های روشن ایستاده باشد و مبارزه را سازمان دهی و هدایت کند محروم هستند.

حزب توده ایران در پنجمین پلنوم کمیته مرکزی خود، در دی ماه سال ۱۳۷۴، ضمن ارزیابی همه جانبه از اوضاع کشور و خطراتی که از داخل و

ادامه در ص ۵

نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۴۹۳، دوره هشتم
سال سیزدهم، ۲۹ آبان ۱۳۷۵

دروغ و فریبکاری تدابیر رژیم «ولایت فقیه» برای نجات از بحران اقتصادی

دکتر محسن نوربخش، رییس بانک مرکزی، در مصاحبه با رسانه های گروهی، ضمن ارائه توضیحاتی پیرامون شرایط اقتصادی کشور، روند حرکت را مثبت ارزیابی کرد و از جمله گفت: «میزان صادرات کل کشور در نیمه اول امسال ۱۰ میلیارد و ۱۰۴ میلیون دلار و ارزش کل واردات ۷ میلیارد و ۵۹۹ میلیون دلار بوده است...» بر اساس ادعای نوربخش به دلیل این موازنه مثبت ایران توانسته است: «دو میلیارد و ۵۰۵ میلیون دلار از بدهی های خود را باز پرداخت کند و دیون خارجی کشور از ۲۲ میلیارد و ۵۶۷ میلیون دلار در پایان سال گذشته به ۲۰ میلیارد و ۳۶۹ میلیون دلار در پایان شهریور ماه کاهش یافته است...» (روزنامه «رسالت» - ۱۸ آبان ۱۳۷۵).

وی در همین مصاحبه مدعی شد که دولت بر بازار ارز کنترل کامل دارد، رشد نقدینگی را کند کرده است و میزان تورم به دلیل سیاست های اتخاذ شده از ۵۳/۶ درصد در شرایط کنونی به ۲۴ درصد تا پایان سال

ادامه در ص ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

رویدادهای ایران



سهام بخش خصوصی در آموزش کشور

محمد رضا گلپایگانی، وزیر فرهنگ و آموزش عالی، در گردهمایی آموزشی عالی در ایران، برای نخستین بار اعتراف کرد که اکثریت دانشجویان کشور در بخش خصوصی تحصیل می‌کنند. بر اساس این گزارش گلپایگانی از جمله گفت: از یک میلیون و ۳۰۰ هزار دانشجو در کشور، کمتر از ۵۰۰ هزار نفر آنها در مراکز دولتی تحصیل می‌کنند و بقیه در موسسه‌های خصوصی مشغول تحصیل هستند. وی در همین سخنرانی همچنین اعتراف کرد: در حالی که سهم بخش دولتی در آموزش عالی، در کشور های پیشرفته به ۷۰ تا ۸۰ درصد بالغ می‌شود، در ایران این سهم به حدود ۳۷ درصد تنزل یافته است.

اعتراض به تخریب دفتر انجمن اسلامی دانشجویان

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه های اصفهان و علوم پزشکی اصفهان طی اطلاعیه ای که اخیراً منتشر کرد نسبت به سکوت مقامات دولتی در مورد تخریب دفتر مرکزی این انجمن توسط مسئولان دانشگاه اعتراض کرد. در این اطلاعیه از جمله آمده است: «در این برهه حساس و سرنوشت ساز که هاله ای از بی تفاوتی و یأس حاصل از کشمکشهای سیاسی انقلاب را فرا گرفته ... حرکت هایی پیدا و پنهانی برای منزوی کردن نیروهای متعهد و مخلص به راه افتاده اند که همواره سنگ پیروی از ولایت و رهبری را به سینه می‌زنند». انجمن

اسلامی دانشجویان اصفهان در بخش دیگری از اطلاعیه خود هشدار داده است که «ما امروز سکوت در مقابل جریانات خرنده موجود در دانشگاه ها برای حذف تشکل های اصیل دانشجویی و گرفتن روح استقلال از آنان را جایز [نمی دانیم]».

اعترافات جالب یکی از نمایندگان زن مجلس

فاطمه رمضان زاده، نماینده تهران در مجلس، در نطق پیش از دستور خود در مجلس گفت که «امروزه بلایی به جان عده ای از مدیران رده بالای کشور افتاده است و آن بلای تجمل و اشراف گرایی است. این آقایان حق خود می‌دانند که از اتومبیل و راننده و بعضاً محافظ و حتی استخر اختصاصی استفاده نمایند. فرزندان خود را با اتومبیل اختصاصی به مدرسه درجه یک شهر بفرستند و اگر خدای ناکرده یکی از بستگان ایشان بیمار شد، با یک تلفن بزشک و دارو برایش آماده می‌شود و اینها همه درحالی است که می‌دانیم خانواده های ساکن در مناطقی مثل جوادیه، اسلام شهر، یاغی آباد و خاک سفید با حداقل امکانات رفاهی زندگی می‌کنند و از یک وسیله عمومی مناسب نیز برای رفتن به مدرسه برخوردار نیستند. چرا باید فرزندان قاطبه مدیران ما حتی سوار و پیاده شدن به اتوبوس را ندانند ولی طول صف اتوبوس میدان آزادی به اسلام شهر به ده ها متر برسد؟ مگر اشرافی و طبقاتی شدن چگونه است؟». رمضان زاده در ادامه سخنان خود گفت: «... به نظر می‌رسد آنچه گم شده است برنامه های لازم برای برقراری عدالت اجتماعی، توسعه و سازندگی کشور است...».

واگذاری صنعت پتروشیمی به بخش خصوصی

احمد رهگذر، معاون وزارت نفت جمهوری اسلامی در نیمه اول آبان ماه سال جاری اعلام کرد که بخش عمده ای از سهام کارخانه کرین اهواز، شرکت پتروشیمی آبادان، پتروشیمی پاسارگاد و پتروشیمی قارایی، که چهار شرکت بزرگ در صنعت پتروشیمی هستند، در بورس تهران عرضه شده است و «در حال حاضر هر کدام از این واحدها هزاران سهامدار دارند و سود آن بین جمعیت گسترده ای توزیع می‌شود». طبق گفته او، در ابتدا قرار بوده است که سهام

واحدهای پتروشیمی کمتر از ۱۰۰ هزار تن به بخش خصوصی واگذار شود «ولی با توفیقی!!» که در این امر حاصل شد، سهام واحدهای با تولید ۱۰۰ هزار تن یا بیش از آن نیز به مردم واگذار خواهد شد «از منافع زیاد آن بهره برند!» احمد رهگذر خریدار اصلی این چهار واحد بزرگ صنعتی را «شرکت سرمایه گذاری پتروشیمی»، که به گفته او «یک شرکت خصوصی با مدیریت خصوصی است»، اعلام کرد که تاکنون ۳۰ درصد سهام این واحدها را خریداری کرده است. به گفته وی، این شرکت در حال حاضر مالک ۲۰ کارخانه بزرگ است که به نوعی با صنعت پتروشیمی ارتباط دارند!

قیمت زمین در تهران بیش از ۱/۵ برابر شده است!

بر اساس آخرین گزارش وزارت مسکن و شهرسازی جمهوری اسلامی در مورد تغییرات بهای زمین در ۲۰ شهر بزرگ کشور، در طول فاصله سال های ۷۳ تا ۷۴، قیمت زمین ساختمان کلنگی در تهران بیش از ۶۱ درصد افزایش یافته و به متوسط متری (۹۰۰ هزار ریال) و قیمت زمین آپارتمانی به متری ۹۵۸ هزار ریال رسیده است! طبق این گزارش، در همین فاصله، افزایش بهای زمین در شهرهای اردبیل، یزد، مشهد و کرمانشاه نیز بالای ۵۰ درصد بوده است.

کاهش حق عائله مندی کارکنان دولت

طبق گزارش مطبوعات، بر اساس مصوبه ای که اخیراً از مجلس شورای اسلامی رژیم گذشت حق عائله مندی کارکنان دولت، علی رغم ادعای مجلس مبنی بر افزایش آن در قانون اخیر، در حقیقت کاهش داده شد. درحالی که کارشناسان نظام اداری رژیم ادعا می‌کنند که بر اساس قانون جدید حق عائله مندی کارکنان دولت از ۵۰ درصد به ۷۰ درصد حقوق مبنا افزایش یافته است، طبق گزارش روزنامه «سلام»، قانون جدید مصوب مجلس، با الغای تبصره الحاقی به بودجه سال ۷۵، عملاً حق عائله مندی کارکنان دولت را از ۴۲ هزار ریال به ۳۹ هزار و دوپست ریال در ماه کاهش داده است.

مشکلات اعتباری تعاونی های روستایی

تعاونی های روستایی موافقت نکرد. و معاون او می‌افزاید: «ما برای رفع مشکل اعتباری، پیشنهاد مؤسسه اعتباری را دادیم و با توجه به تأیید رئیس جمهور و امکان جذب ۱۰۰ میلیارد تومان نقدینگی کشاورزان!!! متأسفانه پس از گذشت سه سال شورای عالی بانکها و شورای سیاست گذاری پول با ایجاد این مؤسسه موافقت نکرد».

آنچه که وزیر کشاورزی و معاون او در گفته های خود آگاهانه به زبان نمی‌آورند این است که سیستم بانکی کشور (به ویژه بانک مرکزی و بانک ملی) دولتی است و شکست «انحصار» آن تنها می‌تواند به معنای گشودن راه برای خصوصی سازی سیستم بانکی کشور باشد و نه چیز دیگر. مشکلات سیستم بانکی کشور هر چه باشد (و تردیدی نیست که این مشکلات کم نیستند)، راه حل رفع بحران کنونی در تولید کشاورزی، اجرای یک برنامه اصلاحات ارضی بنیادین و وادار کردن دولت به پرداخت اعتبارات لازم به تعاونی های روستایی است و نه خصوصی سازی سیستم بانکی به بهانه پشت کردن دولت به تعهدات خویش!

اندازد تا شاید درصدی از تکلیف قانونی خود صرف نظر کند». کلاتنری در ادامه سخنان خود گفت: «با گذشت ۷ ماه از سال جاری، بانک های تجارت و ملی تنها ۲ درصد از تسهیلات قانونی آبیاری تحت فشار را پرداخت کرده اند». او وزیر اقتصاد و دارایی و رییس بانک مرکزی رژیم را به خاطر «عدم پرداخت تسهیلات اعتباری قانونی به بخش کشاورزی» مورد انتقاد قرار داد.

آنچه در این مورد شایان توجه است راه حلی است که وزیر کشاورزی و معاون او برای خروج از وضعیت فاجعه بار کنونی کشاورزی ایران پیشنهاد می‌کنند. این مقامات، به پیروی از سیاست های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، به جای کوشش در جهت پرداخت اعتبارات قانونی به کشاورزان از سوی دولت، خواستار به وجود آوردن یک «شرکت سرمایه گذاری کشاورزی» به موازات سیستم بانکی کشور، و استفاده از «نقدینگی کشاورزان برای بهبود بخش کشاورزی» هستند! کلاتنری می‌گوید: «سیستم بانکی حاضر نیست که انحصار پولی و مالی خود را از دست بدهد و به همین خاطر با ایجاد مؤسسه های اعتباری برای

در سیزدهمین اجلاس مجمع عمومی «اتحادیه مرکزی تعاونی های روستایی» که در روزهای اول و دوم آبان ماه سال جاری با شرکت عیسی کلاتنری، وزیر کشاورزی جمهوری اسلامی، تشکیل شد، مهندس غلام علی شهرکی، معاون وزیر کشاورزی و مدیرعامل «سازمان مرکزی تعاونی های روستایی»، طی سخنانی اعلام کرد که «بانک ها بلای جان شبکه تعاونی های روستایی هستند و بعد از گذشت ۷ ماه از سال جاری هنوز هیچگونه اعتبار قانونی از طریق بانک ها به تعاونی های روستایی پرداخت نشده است». مهندس شهرکی همچنین «کمبود نیرو و خدمات فنی دیگر» را از جمله مشکلات فراروی تعاونی های روستایی، که به گفته مقامات وزارت کشاورزی «۹۲ درصد از جمعیت روستایی کشور را تحت پوشش دارند»، برشمرد.

دکتر عیسی کلاتنری، وزیر کشاورزی، نیز در سخنان خود بر مشکلات اعتباری تعاونی های روستایی تأکید کرد و گفت: «سیستم بانکی در سال جاری با توجه به سیاست انقباضی که برای مهار تورم اتخاذ کرده حتی در مواردی اجرای قانون را به تأخیر می

یورش پلیس ترکیه به پناهجویان ایرانی

بر اساس گزارش های رسیده، پلیس ترکیه ، روز ۸ نوامبر به یک گروه ۱۵ نفری از پناهجویان ایرانی که در چهل و هفتمین روز اعتصاب غذای خود در دفتر مرکزی حقوق بشر ترکیه به سر می بردند، یورش برده و عده ای از اعتصاب کنندگان را دستگیر و به بیمارستان انتقال داد.

کمیته هماهنگ کننده پناهجویان ایرانی در ترکیه با انتشار اطلاعیه مطبوعاتی ضمن گزارش این یورش پلیس ترکیه به اعتصاب کنندگان اعلام کرد: «پلیس ابتدا توانست که تعدادی از اعتصابیون را به بیمارستان انتقال بدهد. در همین لحظه خبر حمله پلیس از طریق رسانه های گروهی ترکیه پخش شد.

اعضاء پلانفرم حمایت از پناهجویان و مردم عادی در محل اعتصاب حضور یافتند... دبیرکل کانون وکلای مترقی و دبیرکل کانون پزشکان و دبیر حقوق بشر ترکیه و دیگر اعضاء پلانفرم حمایت از پناهجویان ایرانی طی یک کنفرانس مطبوعاتی عملکرد پلیس را محکوم کرده و از مسؤلان بیمارستان خواستند بدون اراده اعتصابیون حق هیچگونه مداخله پزشکی را ندارند».

بر اساس گزارش همین اطلاعیه مطبوعاتی کمیساریای عالی سازمان ملل که از ادامه این اعتصاب غذا بیمناکا بوده است در این یورش برای درهم شکستن اعتصاب غذای پناهجویان ایرانی با پلیس ترکیه همکاری کرده است. علی رغم همه این فشارها، اعتصاب غذای پناهجویان ایرانی نزدیک به دوماه است ادامه دارد و معلوم نیست مقامات «بشر دوست» سازمان ملل در انتظار چه نشسته اند!؟

حزب توده ایران ضمن ابراز مجدد همبستگی خود با مبارزه پناهجویان ایرانی در ترکیه و ضمن محکوم کردن اعمال فشار و سیاست های ضد انسانی دولت ترکیه و کمیساریای عالی سازمان ملل در این کشور که تاکنون به خواست های برحق پناهجویان ایرانی بی توجهی کرده اند، بار دیگر از همه نیروهای مترقی و انسان دوست ایران و جهان می خواهد تا صدای اعتراض خود را علیه این سیاست ها و در حمایت از پناهجویان ایرانی بلند کنند.

ترور و آدم ربایی همچنان سیاست روزمره رژیم «ولایت فقیه» است

پاکستان به این کشور اعزام کرده است...».

سیاست ترور و اختناق در داخل و خارج از کشور بخش جدایی ناپذیر از سیاست رژیم «ولایت فقیه» بوده و هست. واقعیت این است که رژیم کنونی ادامه حیات خود را تنها در گرو ادامه ترور و اختناق می داند و با تشدید بحران در درون کشور و هراس سران رژیم از عاقبت کار، سیاست ترور و اختناق نیز همچنان تشدید می گردد. ادامه این سیاست های رژیم از یکسو پوچ بودن تصورات خام موجود را در میان برخی از نیروهای اپوزیسیون پیرامون رفرم پذیری گروه حاکم نشان می دهد و از سوی دیگر نشانگر ضرورت اقدام مشترک در مقابله با این سیاست ها، از سوی نیروهای مترقی و آزادی خواه است.

حزب توده ایران ضمن محکوم کردن ادامه سیاست ترور و اختناق از سوی رژیم «ولایت فقیه»، معتقد است تنها با تشدید کارزار بین المللی افشای جنایات رژیم در درون و بیرون از کشور و بسیج افکار عمومی و نیروهای مترقی، می توان با این اقدام های ضد انسانی و جنایتکارانه رژیم مقابله موثر کرد.

تشدید فشار بر روی سازمان های بین المللی حقوق بشر، کمیسیون ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد، و کمیساریای عالی این سازمان در امور پناهندگان، برای رسیدگی به شرایط فاجعه بار گروه کثیری از هموطنان پناهجوی ما که در پاکستان و ترکیه در خطرناک ترین شرایط، فعالیت آزاد گزمگان امنیتی رژیم، زندگی می کنند، در این شرایط از اهمیت خاصی برخوردار است.

یک سال از ربوده شدن علی توسلی، از رهبران سابق سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و بردن او به ایران می گذرد. در سالگرد این اقدام ضد انسانی و جنایتکارانه رژیم «ولایت فقیه»، در هفته های اخیر باردیگر اخبار گوناگونی پیرامون آدم ربایی و ترور مخالفان رژیم در رسانه های گروهی انتشار یافت که حائز اهمیت است. از یک سو مطلع شدیم که فرج سرکوهی، سردبیر مجله «آدینه»، روز سوم نوامبر در حالی که برای آمدن به آلمان به فرودگاه تهران رفته بود، در فرودگاه توسط گزمگان رژیم ربوده شده است و تا این لحظه از سرنوشت او خبری نیست.

همچنین بر اساس اطلاعیه «انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران» و «کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید»، مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، علی مولایی، زندانی سیاسی سابق و هوادار سازمان چریک های فدایی خلق (اقلیت) را در اسلام آباد پاکستان ربودند و پس از شکنجه های وحشیانه با ضربات کارد به قتل رساندند.

بر اساس همین گزارش ها، رضا افشار، از هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) نیز در هفته های اخیر در پاکستان ربوده شده است و از سرنوشت او خبری در دست نیست.

افزون بر این کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید در اعلامیه خود افزود: «رژیم جمهوری اسلامی از مدتها پیش تعدادی از عوامل اطلاعاتی خود را به رهبری ناصریان شکنجه گر معروف زندان اوین و یکی از سازمان دهندگان قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷، گوهر دشت به منظور تعقیب و قتل مخالفین رژیم و ایجاد رعب و وحشت در میان پناهجویان ایرانی در

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

نظام غیر عادلانه مالیاتی

فشار کمرشکنی بر طبقه کارگر

خود را پشت سر سازمان ها یا نهادهایی که معافیت مالیاتی دارند مخفی می کنند...». از جمله نمونه هایی که در این زمینه افشا شده، می توان به خبری که ماه گذشته در مطبوعات بازتاب یافت اشاره کرد. مطبوعات نوشتند، شخصی به دلیل وابستگی به رژیم مالیات خود را از ۱۰ میلیون تومان به کمتر از ۳ میلیون تومان تقلیل داد.

در نظام مالیاتی جمهوری اسلامی، رشوه به عنوان کلید حل مشکلات سرمایه داران، تاجر و شرکت ها به امری قانونی و طبیعی بدل شده است. با پرداخت رشوه به مقامات بالای رژیم، وزارت اقتصاد و دارایی و مامورین مالیاتی، بسیاری از کلان سرمایه داران و شرکت های فعال در عرصه های مختلف، مسأله مالیات خود را «حل» می کنند.

با توجه به همه این واقعیت ها است که با قاطعیت می توان گفت، میزان پرداخت مالیات صنوف و مشاغل به نسبت حقوق بگیران، اعم از کارگر و کارمند صفر است. و درست به همین دلایل می باشد که مطبوعات رژیم و خانه کارگر و دبیر کل آن برای سروپوش گذاردن بر سیستم غیر دموکراتیک و ضد کارگری اخذ مالیات، تبلیغات پوچ پیرامون این یا آن طرح و ماده واحد به راه می اندازند.

ماده واحدی که طبق ادعای محبوب و دیگران قرار است به سود کارگران تقدیم مجلس شود عبارت است از طرح هیات دولت رفسنجانی برای تعیین سقف معافیت های مالیاتی حقوق بگیران برپایه حداقل دستمزد ۲ ماه یک کارمند!!

این ماده واحد، مبنای سقف معافیت مالیاتی حقوق بگیران را معادل ۶۰ روز، ۲ ماه حقوق یک کارمند محاسبه و آن را افزایش می دهد!!!

البته درک این مطلب که چرا دولت جمهوری اسلامی برای محاسبه سقف معافیت مالیاتی کارگران، حداقل دستمزد یک کارمند را مبنا قرار داده، چندان دشوار نیست. حداقل دستمزد کارگر و کارمند متفاوت است. اگر قرار است که برای کارگران معافیتی در نظر گرفته شود، چرا نباید حداقل پایه حقوق کارگر مبنا قرار بگیرد؟ در حال حاضر حداقل پایه حقوقی رسمی یک کارگر ۲۰۷ هزار ریال است.

ادامه در صفحه ۵

ساختار اطلاعاتی، مشکلات عدیده ای در ارتباط با توزیع ثروت و تامین مخارج دولت از طریق مالیات وجود دارد. در حال حاضر عملاً از ۱۸ درصد بخش مشاغل کشور مالیات دریافت می شود. در این قسمت با ۸۲ درصد فرار مالیاتی روبرو هستیم... در بخش مالیات بر شرکت ها نیز تنها ۲۰ درصد مالیات به لحاظ فقدان سیستم مناسب دریافت می گردد...».

این اعتراف روشن و بی پرده وزیر اقتصاد رژیم، زرفای نظام غیر دموکراتیک مالیاتی را که به سود بازاریان، کلان سرمایه داران، واسطه ها و دیگر اقشار و طبقات طفیلی سازماندهی شده، به خوبی نشان می دهد.

برپایه نظام مالیاتی موجود، بخش اساسی و بزرگی از درآمدهای مالیاتی دولت مستقیم و غیر مستقیم از غارت دسترنج و مزد زحمتکشان میهن ما تامین می شود. در همین رابطه، مخبر کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی در مصاحبه ای آمار فوق العاده جالب و افشاگرانه ای را ارائه داد. وی اعلام داشت: «نسبت مالیات حقوق به مالیات مشاغل که در سال ۱۳۷۳ حدود ۸۶ درصد بود و قرار شده بود در سال ۱۳۷۴ در جهت حمایت از حقوق بگیران؟! به ۷۱ درصد کاهش یابد، عملاً به بیش از ۱۰۷ درصد رسید، به این معنا که در سال گذشته (۱۳۷۴) حقوق بگیران بیش از ۹ درصد بیشتر از صاحبان مشاغل (کارفرمایان، سرمایه داران و بازاریان) مالیات به دولت پرداخت کرده اند».

در جمهوری اسلامی به دلیل حمایت جدی از دلالان و بخش خدمات، بخش های واسطه و دلالی که سودهای هنگفتی را به جیب می زنند از پرداخت مالیات معاف هستند. حمایت سران درجه اول رژیم، نمایندگان مجلس، فرماندهان سپاه و وزارت اطلاعات و خانواده ها و اعوان و انصار آنها از سرمایه داران و شرکت های گوناگون یکی از راه های فرار این شرکت ها از مالیات است. به بیان روشن یکی از ویژگی های عدم پرداخت مالیات در جمهوری اسلامی، حمایت اشخاص، افراد و نهادهای معینی از تاجر و شرکت ها و سرمایه داران است.

چندی پیش داریوش ایرانبندی، معاون مالیاتی وزارت اقتصاد و دارایی در یک مصاحبه مطبوعاتی در همین زمینه گفته بود: «...گاهی برخی شرکت ها و فعالان اقتصادی اقدامات

در هفته های اخیر، پاره ای از رسانه های همگانی رژیم «ولایت فقیه»، اخباری را پیرامون ضرورت تعیین سقف معافیت مالیاتی برای حقوق بگیران، به ویژه کارگران انتشار داده اند. برخی مطبوعات اعلام داشتند: ماده واحد افزایش سقف معافیت مالیاتی حقوق بگیران (اعم از کارگر و کارمند) طی هفته دولت، تقدیم مجلس خواهد شد.

علیرضا محبوب، دبیر کل خانه کارگر، ارگان وابسته به رژیم و از زمره نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی از تهران در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت: «... ما تاکنون اقدامات گوناگونی برای تسریع در ارسال ماده واحد افزایش سقف معافیت های مالیاتی حقوق بگیران توسط هیات دولت به مجلس انجام داده ایم... و احتمالاً بالاخره در هفته دولت این طرح تقدیم مجلس می شود...».

خانه کارگر و دیگر ارگان های جمهوری اسلامی با تبلیغات پرسرو صدا و درج نظرات خود درباره سقف معافیت های مالیاتی، تلاش می کنند، وانمود سازند که با اصرار آنها و دلسوزی هیات دولت و با تصویب ماده واحد فوق، قدرت خرید کارگران و دیگر حقوق بگیران در شرایط گرانی بالا خواهد رفت و به این ترتیب درآمد و مزد کارگران به نسبت پرداخت مالیات شکل مطلوب و عادلانه به خود می گیرد!!! اما واقعیت فرای این تبلیغات بی پایه است.

تعیین سقف معافیت های مالیاتی برای حقوق بگیران و بطور کلی مسأله اخذ مالیات، روش و اسلوب و شیوه های آن در جمهوری اسلامی، مطلب تازه ای نیست! نظام مالیاتی حاکم در رژیم فقها، شدیداً غیر دموکراتیک و ناعادلانه است.

از ابتدای اجرای برنامه های پنجساله اول و دوم، آمار همواره کاهش رقم مالیات های مستقیم را نشان می دهد. کلیه آمار و ارقام گواه این واقعیت است که در جمهوری اسلامی میزان درآمد مالیاتی مشاغل، شرکت ها و بازاریان در پایین ترین سطح ممکن قرار دارد.

به عنوان نمونه، مرتضی محمد خان وزیر اقتصاد و دارایی در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ماه امسال در جریان ششمین کنفرانس سالیانه «سیاست های پولی و ارزی» با صراحت یادآور شده بود: «با توجه به فرهنگ مالیاتی کشور و

ادامه سیاست غیر عادلانه ...

اگر این، مبنای محاسبه قرار گیرد، به مراتب از حداقل حقوق یک کارمند که در سطح پایین تری قرار دارد در کسر مالیات به سود کارگران است. درست همین نکته است که هیات دولت با توجه به آن مبنای محاسبه را حداقل پایه حقوق یک کارمند قرار داده است.

در حال حاضر از اضافه دستمزد کارمندان دولت ۱۰ درصد مالیات کسر می شود. مبنای زمین محاسبه کسر مالیات از اضافه دستمزد کارگران شدیداً ضد کارگری است، برای کارگران درآمد حاصل از اضافه کاری در برگ حقوقی ماهیانه به درآمد اصلی اضافه می شود و به این ترتیب و با این شکل محاسبه، حقوق در جدول تصاعدی قرار می گیرد و گاهی اوقات بطور غیر عادلانه ای شامل بیش از ۴۵ درصد مالیات می شود.

گفتنی است اگر قرار است مبنای محاسبه حقوق کارگران قرار نگیرد، بهترین و مناسب ترین شکل ممکن از میان برداشتن نحوه محاسبه کسر مالیات از اضافه کاری کارگران و کارمندان است به صورتی که به سود این حقوق بگیران و در خدمت منافع آنها باشد.

همچنانکه اشاره کرده ایم مشکل در این نیست که دولت و یا رژیم چه مبنایی را برای محاسبه کسر مالیات از حقوق بگیران پیشه کنند. مشکل در نظام مالیاتی رژیم نهفته است که در جهت و به سود بازاریان و کلان سرمایه داران عمل می کند.

در کشور ما نسبت مالیات به تولید ناخالص ملی بسیار پایین می باشد، این نسبت در ایران به کمتر از ۵ درصد می رسد.

آمار انتشار یافته از سوی خود رژیم و وزارت اقتصاد آن حاکی از آنست که کمتر از ۲۸ درصد بودجه کشور از درآمدهای مالیاتی تامین می شود. در شرایط کنونی بالغ بر ۶۵ درصد تولید ناخالص ملی کشور از مالیات معاف است. کلان سرمایه داران، واسطه ها و دلالان بیشترین سود را از این معافیت ها می برند. در شرایطی که بازاریان از پرداخت هرگونه مالیات فرار می کنند و در برابر کوچک ترین عملی که باعث بالا رفتن حتی ناچیز مبلغ مالیات باشد واکنش نشان می دهند. حقوق بگیران به ویژه طبقه کارگر بار عمده پرداخت مالیات را بردوش دارد.

برای نشان دادن ابعاد وضعیت دردناک در مسأله مورد بحث باید اضافه

کنیم که دولت برای خدمت به منافع بازاریان و سرمایه داران حتی از سازمان تامین اجتماعی که باید مجموعه حقوق بگیران را از لحاظ خدمات درمانی تحت پوشش داشته باشد، مالیات می گیرد.

مهدی کرباسیان، مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی در فروردین ماه سال جاری اعلام کرده بود: «... در هیچ جای دنیا از درآمدهای تامین اجتماعی که باید صرف بهبود بیمه شدگان شود مالیات کسر نمی شود، اما متأسفانه در کشور ما حدود ۵۴ درصد از درآمدهای تامین اجتماعی صرف پرداخت مالیات می شود...».

و این در حالی است که صنوف، شرکت ها و بازاریان در برابر هر نوع اقدامی که برای وصول مالیات از آنها صورت گیرد، شدیداً اقدام می کنند. در سال گذشته صنف طلا و جواهر فروشان بازار تهران و تبریز در اعتراض به نحوه پرداخت مالیات اعتراض کردند و حجره های خود را بستند، امسال نیز صنف فرش فروشان بویژه در بازار تهران به میزان و نحوه پرداخت مالیات اعتراض نموده و فعالیت های خود را به حال تعطیل در آوردند!

اما کارگران، کارمندان و مجموعه حقوق بگیران که به غلط و در یک سیستم غیر دموکراتیک بار اصلی تامین درآمدهای مالیاتی را بردوش می کشند، از حق هرگونه اعتراض و تشکیل سندیکا و اتحادیه و بطور کلی شکل های مستقل صنفی محروم هستند و هرگونه اعتراض و اعتصابی از سوی زحمتکشان با ترور و سرکوب دولتی پاسخ داده می شود!

کوششی که طی هفته های اخیر از سوی محافظی در درون و پیرامون رژیم، برای مهم و اساسی و نامود ساختن این یا آن ماده واحده درباره سقف معافیت مالیاتی حقوق بگیران بویژه طبقه کارگر میهن ما صورت می پذیرد و نیز عمده جلوه دادن طرح ها و پیشنهادهای بی بنیاد و بی پشتوانه که هیچیک برپایه الویت های معیشتی و منطبق با سطح دستمزد کارگران تدوین نشده، مانورهایی است که با هدف انحراف جنبش اعتراضی رو به رشد طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان ایران انجام می گیرد! زندگی و شرایط دشوار به کارگران میهن ما آموخته است که در چارچوب این رژیم واپسگرا و کارگر ستیز، انتظار احقاق حق و از آن جمله یک نظام عادلانه و علمی مالیات بیهوده است.

مانورهایی از این دست، در گذشته با هوشیاری و شم طبقاتی کارگران عقیم مانده، این بار نیز جنبش کارگری ایران با پشتوانه چند دهه پیکار و تجربه اندوزی تلاش های عوام فریبانه رژیم را خنثی خواهد کرد.

ادامه فراخوان اتحاد ...

خارج ایران را تهدید می کند، بر ضرورت تشدید مبارزه برای پایان دادن به رژیم «ولایت فقیه» تأکید و اعلام کرد: «کشور ما به یک تحول بنیادین، که عرصه های گوناگون زندگی مردم را در برگیرد، نیازمند است... مهمترین وظیفه چنین تحولی در شرایط کنونی، برچیدن بساط استبداد رژیم «ولایت فقیه»، استقرار دموکراسی و آزادی و ایجاد شرایط مناسب برای بازسازی، توسعه، پیشرفت و استقرار عدالت اجتماعی در جامعه است... امروز در ایران، به دلیل سیاست ها و عملکردهای ضد مردمی رژیم، رشد و تعمیق همه جانبه بحران اقتصادی - اجتماعی که تمامی حیات جامعه را فرا گرفته است و میلیون ها انسان را به طرز بی سابقه ای به ورطه فقر، محرومیت و زندگی در شرایط بسیار دهشتناکی کشانده است، مدتهاست شرایط عینی مساعد وجود داشته و دارد. عاملی که در شرایط حاضر کمبود آن به شدت احساس می شود، عامل ذهنی، یعنی تشکل، سیاست صحیح و عملکرد درست و پیگیر نیروهای راستین مدافع منافع مردم و توده های زحمتکش است، که بتواند مرکز مشخص مبارزه در مقابل رژیم استبداد را برپا کند...» (اسناد پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران «نامه مردم» شماره ۴۷۰ - ۱۲ دی ماه ۱۳۷۴).

به گمان ما اکنون مدتهاست که نیاز ایجاد چنین مرکز مشخص مبارزه احساس می شود، ولی متأسفانه به دلیل عملکردهای فرقه گرایانه و انحصارطلبانه که بر اساس درک نادرست و غلط از شرایط کشور، و این تصور ذهنی که نیروی واحدی در ایران وجود دارد که یک تنه به سلطه رژیم «ولایت فقیه» پایان دهد، استوار است، جلوی ایجاد یک جبهه واحد ضد دیکتاتوری را سد کرده است و تنها به ادامه حیات رژیم استبدادی کنونی یاری می رساند. شرایط حساس و خطرناک کنونی، عمل مشخص، جسورانه و هوشیارانه را طلب می کند.

نخستین گام در این راه می تواند مذاکره و بحث روشن نیروهای مترقی و آزادی خواه پیرامون برنامه و خواست های چنین جبهه ای باشد. به گمان ما توافق بر سر این خواست ها با توجه به موضوعی که بخش وسیعی از نیروهای مترقی و آزادی خواه اتخاذ کرده اند، نباید چندان دشوار باشد. تجربه «انتخابات» پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی نشان داد که سران رژیم با هشیاری از اختلاف نظرها و موضع گیری های متفاوت نیروهای اپوزیسیون، برای کسب مشروعیت و فریب توده ها استفاده خواهند کرد. برخورد واحد و هماهنگ نیروهای ملی و مترقی می تواند جلوی چنین سوء استفاده هایی را سد کند.

کوتاه سخن! در مقابل صف واحد ارتجاع، در مقابل طرفداران حفظ رژیم ضد مردمی و ضد دموکراتیک «ولایت فقیه»، می بایست جبهه واحد ضد دیکتاتوری را تشکیل داد. پنجمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی بیش از آنکه نشانگر پیروزی رژیم در کشاندن مردم به انتخابات باشد، نشانگر تفرع عمیق مردم از سران رژیم «ولایت فقیه» و آمادگی بیش از پیش آنها برای بروز این تفرع در اشکال مختلف است. صحنه انتخابات آینده ریاست جمهوری می تواند محل مناسبی برای برداشتن گام موثری در مقابله با رژیم از طریق اتخاذ مواضع مشترک و تجهیز، تشدید و هدایت مبارزه مردم باشد. حزب ما بار دیگر آمادگی خود را برای برداشتن چنین گام هایی اعلام می کند.

دروغ و فریبکاری ...

کاهش خواهد یافت. وی همچنین اعلام کرد که رشد اقتصادی ایران امسال به ۵/۵ درصد خواهد رسید که یک درصد بالاتر از سال گذشته است. وی در همین مصاحبه همچنین مدعی شد که وضع صادرات غیر نفتی کشور بهبود چشمگیری یافته است و پیش بینی می شود که از میزان ۱/۳ میلیارد دلار در سال، در شرایط کنونی به ۳ میلیارد دلار در سال آینده افزایش یابد.

در هفته های اخیر همچنین اعلام شد که با افزایش قیمت هر بشکه نفت به بیش از ۲۳ دلار، درآمد ارزی ایران از محل فروش نفت به بیش از ۱۸ میلیارد دلار خواهد رسید که بیش از رقم پیش بینی شده در لایحه بودجه می باشد.

دروغ و فریبکاری بخش جدایی ناپذیر و تنیده در سرشت رژیم «ولایت فقیه» است و رهبران آن می باشد. این روند در حدی گسترده و عادی است که مسؤولان کشوری به صورت روزمره آمار و ارقام سراپا دروغین و جعلی ارائه می دهند و مهم هم نیست که این آمار و ارقام در تضاد آشکار با آمارهای قبلی خود آنها باشد. برای آنکه بی پشتوانه سخن نگفته باشیم توجه خوانندگان را به چند آمار دیگر اقتصادی که از سوی بانک مرکزی، کمیته تحقیق فعالیت های بانک مرکزی و نهادهای دیگر در ماه های اخیر انتشار یافته است جلب می کنیم.

بر اساس گزارش رسانه های گروهی کشور، اداره آمار بانک مرکزی در مردادماه سال جاری اعلام کرد که شاخص بهای کالاهای مصرفی به بیش از ۴۳۳ رسیده است که نشانگر ۳۱٪ رشد نسبت به سال گذشته می باشد و بر این اساس نرخ تورم در مناطق شهری کشور در این مدت ۲۶٪ بوده است.

حال این رقم را مقایسه کنید با اعتراف دکتر نوریبخش که نرخ تورم در شرایط کنونی معادل ۵۳٪ است، یعنی بیش از دو برابر آماری که خود بانک مرکزی دو ماه قبل انتشار داده است. بر همین اساس می توان پیش بینی کرد که ادعای نوریبخش مبنی بر کاهش نرخ تورم در سال آینده به حدود ۲۱ درصد چقدر به واقعیت نزدیک است. و اما در مورد دیون خارجی ایران، آقای نوریبخش فراموش کرده است که در آخرین روزهای چهارمین مجلس شورای اسلامی در آماری که خود بانک مرکزی به کمیته تحقیق مجلس در امور بانک مرکزی ارائه داد، از جمله پذیرفت که هزینه ارزی ایران در فاصله سال های ۱۳۶۸-۷۲، رقمی معادل ۹۹ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار بوده است و در مقابله این هزینه ایران ۶۲ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار در آمد ارزی داشته است. به عبارت دیگر رقمی بیش از ۳۷ میلیارد دلار بدهی ایران در آن تاریخ بوده است که بر اساس گزارش کمیته تحقیق مجلس، بدهی ایران از ۳۷ میلیارد دلار در پایان سال ۱۳۷۲ به ۴۳ میلیارد دلار در پایان سال ۱۳۷۴ افزایش یافته است.

اگر این ارقام را که بانک مرکزی و دکتر نوریبخش نیز در زمان انتشار آنها هیچگونه ابراز مخالفتی با آنها نکردند بپذیریم، آنوقت باید پرسید که تکلیف ۲۳ میلیارد دلار بدهی ایران که در آمد دهی اخیر دکتر نوریبخش ناپدید شده است، چیست؟ و اما در مورد صادرات غیر نفتی ایران، بر خلاف ادعای دکتر نوریبخش پیرامون خوب بودن وضع در

این عرصه، صادرات غیر نفتی در دو سال گذشته مرتباً روند نزولی را پیموده است و در شرایط بحرانی قرار دارد. چندی پیش رییس کل گمرگ جمهوری اسلامی در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد: «صادرات غیر نفتی ایران در طی ۱۰ ماه اول سال ۱۳۷۴، نسبت به سال گذشته ۲۵ درصد کاهش یافته است». بر اساس همین آمار ارزش کالاهای غیر نفتی ایران در سال ۱۳۷۳، ۴ میلیارد دلار بوده است که این رقم در سال ۱۳۷۴ به رقم ۳/۲ میلیارد کاهش یافته است، و اکنون نیز به اعتراف صریح دکتر نوریبخش با یک افت ۶۰ درصدی به ۱/۳ میلیارد دلار در سال کاهش یافته است.

از مقایسه آمار و ارقام بالا، پوچ بودن ادعاهای دکتر نوریبخش و سران رژیم را پیرامون درخشان بودن وضع اقتصادی کشور، به راحتی می توان مشاهده کرد. نکته دیگری که در شرایط کنونی باید به آن توجه داشت این است که کاهش چشمگیر واردات کشور، موجب افزایش مقطعی درآمد ارزی رژیم شده است و از این رو در ماه های اخیر رژیم توانسته است به برخی تعهدات ارزی خود، از جمله در مورد تخصیص ارز به واحد های تولیدی کشور، که بسیاری از آنها با خطر ورشکستگی روبرو بوده اند، کمی از فشار سال قبل را کاهش دهد. ولی همه ایندکاتورهای اقتصادی، نشانگر ادامه بحران عمیق ساختاری در زمینه های گوناگون است که رژیم «ولایت فقیه» از حل آن عاجز بوده و خواهد بود.

در این زمینه کافی است اشاره کنیم که «سردار سازندگی» که با آغاز سیاست «تعدیل» ادعا کرده بود ایران را به آستانه «دروازهای تمدن بزرگ» (مانند سلف شاهنشاهی خود) خواهد رساند، پس از دو سال از آغاز این سیاست ایران بر باده و مخرب، کشور را در آنچنان بحران مالی - اقتصادی فرو برد که رژیم هیچ چاره ای جز چرخش ۱۸۰ درجه ای و بازگشت به همان سیاست های «کمونیستی» کنترل مرکزی بر امور را نداشت. گزارش مفصل بانک جهانی درباره دورنمای اقتصاد ایران، در این زمینه بسیار افشاگرانه و گویا است. در این گزارش ضمن ابراز نگرانی از متوقف شدن موقتی سیاست «تعدیل» از جمله آمده است: «شرایط دشوار مالی نه تنها هزینه ها، توسعه و باز پرداخت دیون خارجی کشور را دچار وقفه کرده است، بلکه استمرار اصلاحات اقتصادی را به خطر می اندازد، این امر خود را به شکل اعمال مجدد برخی کنترل ها بر واردات، تخصیص اعتبارات و تعدد نرخ ارز که از سال ۱۹۹۳ به نرخ واحد تبدیل شده بود، نشان داده است...». به گمان ما از رژیمی که نماینده کلان سرمایه داری تجاری و سرمایه داری بوروکراتیک، یعنی نماینده انگلی ترین بخش های جامعه است، نمی توان انتظار داشت که سیاست هایی اتخاذ کند که کشور را بتواند از بحران کنونی نجات دهد. به اعتراف عسگر اولادی، از رهبران سرشناس گروه حاکم، که در دلداری از «بازاریان محترم» سخن می گفت تدابیر اتخاذ شده همگی موقتی هستند، برای جلوگیری از انفجار عظیم اجتماعی و به مجرد دور شدن این خطر باز در بر همان پاشنه خواهد گردید و همان سیاست درهای باز و باز گذاشتن دست کلان تجار و دلال ها برای غارت بیش از پیش منابع کشور و مردم اعمال خواهد گردید. راه نجات ایران از بحران عمیق اقتصادی - اجتماعی کنونی، پایان دادن به رژیم «ولایت فقیه» و باز کردن راه برای تحولات عمیق دموکراتیک در کشور است.

تراژدی انسانی در آفریقا ...

پناهنده رواندایی شروع به بازگشت به رواندا کرده اند و نیروهای مخالف دولت ژنرال در روز ۲۱ آبان اعلام کردند که به سازمان های مدد رسانی حاضر در منطقه اجازه خواهند داد تا از مناطق زیر کنترل آنها استفاده کنند.

ژنرال تنها کشور آفریقایی است که تاکنون از دخالت نیروهای خارجی در منطقه حمایت کرده است. دولت ژنرال همچنین در هفته های اخیر، از شرکت در گردهمایی کشورهای منطقه، شامل اتیوپی، اوگاندا، تانزانیا، رواندا و کامرون زیر نظر سازمان وحدت آفریقا، خودداری کرد و دولت موبوتو امیدوار است که دخالت نیروهای فرانسوی، آمریکایی و متحدانشان، آن را از سقوط حتمی به دست نیروهای جبهه اتحاد دموکراتیک که بیش از دوسوم خاک این کشور را به تصرف خود در آورده اند، نجات دهد.

از آنچه گفته شد، روشن می گردد که زمینه های تراژدی انسانی کنونی در آفریقای مرکزی، ریشه در دخالت کشورهای امپریالیستی، خصوصاً دولت فرانسه و بلژیک در سال های اخیر و یاری و دفاع آنان از رژیم های ارتجاعی و ضد مردمی در این کشورها دارد.

حمایت دولت ژنرال از سربازان و رهبران دولت سابق رواندا که متهم هستند، صدها هزار انسان بی گناه را در یکی از فجیع ترین کشتارهای تاریخ معاصر قتل عام کرده اند، در زیر چتر حمایت دولت فرانسه و استفاده از این نیروها برای مقابل با جنبش مردمی مردم ژنرال علیه رژیم فاسد و ضد مردمی موبوتو، از جمله علل اصلی هستند که تراژدی نوین در آفریقا را ایجاد کرده است. خواست اساسی نیروهای مترقی منطقه، خلع سلاح ده ها هزار نیروی نظامی سابق ارتش رواندا، خصوصاً بخش های وسیعی از آنان که در درون اردوگاه های پناهندگان به ارباب و ترور افراد عادی مشغولند، و ایجاد تسهیلات برای بازگشت صدها هزار پناهنده ای است که در این مناطق گرفتار شده اند. کشورهای جهان، اگر خواهان کمک به مردم این مناطق هستند، می بایست ضمن تدارک برای کمک رسانی از لحاظ غذایی، پوشاک و بهداشتی، زمینه های سیاسی حل بحران را، که چیزی جز تحقق خواست های برحق اکثریت محروم این مناطق برای حاکم شدن بر سرنوشت خویش و رهایی از چنگال حکومت های وابسته و ضد مردمی نیست، فراهم کنند. مردم گرسنه، محروم و زجر دیده آفریقایی مرکزی نیازمند کمک های انسانی هستند، نه نظامیان تا دندان مسلح که تجربه عملکرد آنان در آفریقا، از سومالی تا رواندا، ثمری جز دامن زدن به تشنج، درگیری و ادامه برخوردهای خونین نداشته و ندارد. سرنوشت دردناک سومالی که چندی عرصه تاخت و تاز نیروهای چند ملیتی خصوصاً تفنگداران نیروی دریایی آمریکا بود، نمونه روشن و افشاگرانه ای از چنین دخالت های فاجعه بار است، که هیچ ارتباطی به خواست و نیاز مردم محروم این مناطق ندارد و تنها هدفش تأمین منافع کوتاه مدت و استراتژیک امپریالیسم و ارتجاع در منطقه است.

رویدادهای جهان



پیروزی درخشان در ژاپن

پیروزی انتخاباتی اخیر حزب کمونیست ژاپن، از زمان پایه گذاری آن در سال ۱۹۲۲ تاکنون، بی سابقه بوده است. این حزب با تصاحب ۷/۲ میلیون رای (۱۳ درصد آرا) و ۲۶ کرسی نمایندگی در پارلمان این کشور، موفق ترین نیروی سیاسی شرکت کننده در انتخابات ژاپن بود.

حزب لیبرال دموکرات، علی رغم افزایش ۲/۲ میلیون به آراء خود (۱۱ کرسی) و کسب مقام بزرگ ترین حزب حاضر در پارلمان، نتوانست اکثریت مطلق را بدست آورد و برای ادامه حکومت نیاز به تشکیل یک دولت ائتلافی دارد. در مجموع ۵۰۰ کرسی نمایندگی در پارلمان وجود دارد. بزرگ ترین بازنده انتخابات حزب سوسیال دموکرات بود که با از دست دادن نیمی از ۳۰ کرسی قبلی نمایندگی خود در پارلمان جدید فقط ۱۵ کرسی دارد. بسیاری از حامیان سوسیال دموکرات به دلیل شرکت آن در دولت ائتلافی قبل و گردن نهادن به سیاست های دست راستی لیبرال دموکرات ها به آن پشت کردند. تعداد شرکت کنندگان در انتخابات فقط ۶۰ درصد صاحبان رای بود که در ۵۰ سال اخیر، پایین ترین سطح می باشد.

موفقیت نیروهای چپ فنلاند

«اتحاد چپ» فنلاند با تصاحب ۱۰/۵ درصد آراء توانست تعداد کرسی های نمایندگی خود در پارلمان اروپا را دو برابر کند. کاندیدای کمونیست «اتحاد چپ» از نظر مجموع آراء کسب شده کل نمایندگان در کشور در مرتبه دوم قرار گرفت و به پارلمان اروپا راه یافت. موضوع اصلی مطرح در کارزار انتخاباتی مساله یکی شدن سیستم پولی اروپا و نیز میزان بیکاری در کشور بود که در حال حاضر نزدیک به ۱۷ درصد نیروی کار را در بر می گیرد. تقریباً ۶۰ درصد مردم فنلاند مخالف سیستم واحد پولی در اروپا هستند و آن را علیه منافع مردم عادی می دانند. سبزها با کسب ۷/۶ درصد آراء صاحب یک کرسی شدند و حزب «میانه» که مخالف دولت و ضد سیستم واحد پولی اروپا است با ۲۵/۷ درصد آراء، حزب سوسیال دموکرات حاکم با ۲۱/۵ درصد آراء و حزب محافظه کار با ۲۰/۲ درصد آراء هر کدام صاحب ۴ کرسی نمایندگی در پارلمان اروپا شدند.

اعتراض اتحادیه های کارگری در کانادا

اتحادیه های کارگری منطقه اونتاریو، بزرگ ترین استان کشور، در روز ۵ آبان ماه در مخالفت با کاهش بودجه های رفاهی و اجتماعی و نیز سیاست های طرفدار سرمایه داری دولت منطقه ای جدید، دست به اعتصاب زدند. ۴۰ درصد جمعیت کانادا در اونتاریو زندگی می کنند. دولت منطقه ای جدید در ماههای اخیر هزاران تن از کارمندان بخش دولتی را به قصد «متوازن ساختن بودجه خود تا سال ۲۰۰۱» بیکار کرده است. از دیگر اقدامات ضد مردمی دولت کاهش مقرری مردم تحت پوشش سیستم رفاه اجتماعی به میزان ۲۲ درصد، اعطای اختیارات و حقوق قانونی جدید و اضافی به کارفرمایان، کاهش ملاحظات حفظ محیط زیست و شروع یک برنامه وسیع خصوصی سازی صنایع و خدمات است که جنبش مردمی و اتحادیه های کارگری را عصبانی کرده است.

جنایت نیروی دریایی آمریکا

پیپر سالینگر، مشاور مطبوعاتی سابق کاخ سفید در دوره جان اف کندی در ۱۸ آبان ماه نیروی دریایی آمریکا را متهم کرد که مسؤول مستقیم سقوط هواپیمای مسافربری تی دابلیو آ (TWA) که تیرماه در مسیر نیویورک - پاریس منفجر شد و همه ۲۳۰ تن سرنشینان آن کشته شدند، می باشد، محافل راست ایالات متحده نیروهای فلسطینی و یا مرتبط با خاورمیانه را مسؤول این امر معرفی کرده بودند.

پیپر سالینگر که با مقامات رسمی تی دابلیو آ در جنوب فرانسه ملاقات می کرد به آنها گفت که یک مامور سرویس مخفی آمریکا مدرکی را به او داده است که نشان می دهد هواپیمای مسافربری «توسط یک موشک که از یک کشتی نیروی دریایی آمریکا شلیک شده است مورد اصابت قرار گرفته و سقوط کرده است».

مالت به اتحادیه اروپا و ناتو نه می گوید

حزب کارگر مالت در انتخابات پارلمانی این کشور که ۶ ماه قبل از موعد برگزار شد، حزب دست راستی ناسیونالیست را شکست داد و قدرت را بدست گرفت. حزب کارگر با تصاحب ۵۰/۷ درصد آراء و در مقابل ۴۷/۸ درصد کسب شده توسط ناسیونالیست ها، پیروزی مطلق کسب کرد. سیستم پیچیده نمایندگی نسبی به حزب کارگر در پارلمان که ۶۵ کرسی دارد، یک اکثریت شکننده می دهد. حزب کارگر تعهد کرده است که مالیات های غیر مستقیم را ملغی کند، درخواست عضویت مالت برای پیوستن به اروپای متحد را پس بگیرد و همچنین از برنامه «مشارکت برای صلح» که توسط ناتو طرح و اجرا می شود کناره بگیرد. ۹۷/۲ درصد صاحبان رای در این انتخابات شرکت کردند.

بزرگداشت روز انقلاب اکتبر

های برگزار شده در مناطق مختلف روسیه و دیگر جمهوری های سابق شوروی گزارش داد.

علی رغم خصومت رسمی دولت - یک نظر سنجی عمومی که نتایج آن در هفته دوم آبان ماه منتشر گردید نشان داد که نزدیک به نیمی از مردم روسیه معتقدند که انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ یک واقعه سازنده بوده است. این نظر سنجی نشان می دهد ۴۶ درصد پاسخ دهندگان باور دارند که انقلاب اکتبر نقش مثبتی در تاریخ بازی کرده است. اینکه چنین درصد بالایی از مردم، پس از ده سال بمباران تبلیغاتی علیه سوسیالیسم و انقلاب اکتبر و دستاوردهای آن و کوشش پیگیر دولت برای ایجاد یک ذهنیت توده ای متخاصم نسبت به سوسیالیسم چنین رای را به انقلاب اکتبر می دهند. پاسخ گویایی به مخالفان انقلاب اکتبر و نشانگر نقش دورانساز آن است.

شده. من آنقدر که برای کشور بزرگمان، که توسط اپورتونیست های خودخواهی نظیر یلتسین نابود شد، متأثر هستم برای خودم نیستم».

رهبر حزب کمونیست فدراسیون روسیه، گنادی زیوگانف در سخنرانی برای یک گردهمایی ۲۵۰۰۰ نفره اعضا و طرفداران حزب گفت: «مقامات کنونی فلج شده اند و قادر به حکومت کردن بر کشور نیستند». او ضمن حمله سخت به برخورد یلتسین که علی رغم بیماری طولانی مدت و امکان ماهها دور بودن از مرکز تصمیم گیری به دلیل دوران نقاهت، حاضر نیست دست از قدرت بردارد گفت: «ما همه چیز در تاریخمان داشته ایم ولیکن امروز رییس جمهوری داریم که برای تمامی جهان به مثابه یک کمندی مطرح است». تلویزیون روسیه که توسط دولت و بانک های بزرگ کنترل می شود فقط گزارش های گذرا از این گردهمایی ها پخش کرد ولی بسیاری از فیلم ها و گزارش های نمایش داده شده در رابطه با تاثیرات انقلاب اکتبر بود. بنگاه خبری رسمی ایتر - تاس - از گردهمایی

دهها هزار تن از حامیان سوسیالیسم و طرفداران حزب کمونیست در سراسر اتحاد شوروی سابق ۷۹- مین سالگرد انقلاب اکتبر را، در مراسمی که به اعتراض توده ای علیه اصلاحات سرمایه داری دولت بوریس یلتسین تبدیل شد، جشن گرفتند.

راهپیمایی در مسکو یکی از بزرگ ترین مراسم در چند سال اخیر بود. شرکت کنندگان راهپیمایی در شعارهای خود ضمن اشاره به دستاوردهای مردمی انقلاب اکتبر از وضعیت خراب اقتصادی روسیه شکایت داشتند. بسیاری از شرکت کنندگان باز نشستگان و یا کارگرانی بودند که برای ماهها حقوق و دستمزد خود را دریافت نکرده اند و یلتسین را مسبب وضعیت پریشان خود می دانند. بانوی آموزگاری به نام ماریا ژاوالوخینبا گفت: «من تحت حاکمیت شوراهای متولد و بزرگ شدم و از زندگی ای که داشتم ناراضی نبودم. اکنون همه چیز از هم پاشیده و متلاشی

تراژدی انسانی در آفریقا و دست های امپریالیسم در آن



امپریالیسم جهانی با بهره جویی از تراژدی انسانی، شرایط رقت بار صدها هزار پناهنده که در میان یک جنگ داخلی خونین گرفتار شده اند، گرسنگی، بیماری های واگیر، و مرگ هزاران انسان، در هفته های اخیر اعلام کرد که نیروهای نظامی چند ملیتی را زیر پرچم سازمان ملل، ولی در عمل در کنترل پیمان نظامی ناتو به آفریقای مرکزی اعزام خواهد کرد.

فرانسه، سرسخت ترین مدافع دخالت نظامی و سایر کشورهای غربی شرکت کننده در این عملیات قصد خود را از این اقدام دخالت جویانه کمک انسانی به بیش از یک میلیون پناهنده در مرزهای زئیر و رواندا و جلوگیری از مرگ ده ها هزار انسان اعلام کرده اند، ولی در پشت این پوشش به ظاهر آراسته، واقعیت دیگری نیز وجود دارد که باید به آن توجه کرد.

در سال های اخیر دولت فرانسه، برای تأمین منافع کوتاه مدت و استراتژیک در این مناطق همواره نقش مخربی را عهده دار بوده است. در شرایط کنونی هم فرانسه اهداف گوناگونی را دنبال می کند که از جمله نجات دادن واحدهای نظامی سابق رواندا، که در کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل مستقر هستند، و بیش از همه کمک نظامی به موبوتو سه سکو، دیکتاتور زئیر است که در ماه های اخیر سرنوشت رژیمش به مخاطره جدی افتاده است.

نیروهای نظامی دولت زئیر، در هفته های اخیر از بسیاری از مناطق این کشور، از جمله بخش عمده ای از مرزهای این کشور با رواندا، توسط نیروهای «اتحاد دموکراتیک برای آزادی کنگو-زئیر» بیرون رانده شده اند و نیروهای ائتلاف دموکراتیک اعلام کرده بودند که کینشازا (پایتخت زئیر) را اشغال خواهند کرد و رژیم موبوتو را سرنگون خواهند کرد.

علی رغم برتری نیروهای جبهه اتحاد دموکراتیک، این نیروها در اواسط آبان ماه اعلام کردند که با بازگشت پناهندگان رواندایی به سرزمین خود و یک آتش بس سه هفته ای برای

تحقق بخشیدن به این بازگشت موافق هستند. دولت جدید رواندا نیز موافقت خود را با این برنامه اعلام کرده است. لازم به تذکر است که بخشی از تراژدی کنونی مسؤولیت مستقیم دولت سابق رواندا، که دست نشاندۀ دولت فرانسه بود، می باشد که متهم است در یک کشتار بی سابقه بیش از یک میلیون از شهروندان توتسی، در این کشور را کشتار کرده است. توتسی ها که در رواندا، بروندی و شرق زئیر زندگی می کنند، در دوران حکومت مستقیم کشورهای استعمارگر، در کنترل استعمارگران بلژیکی قرار داشتند، در سال های اخیر که دولت فرانسه جایگاه بلژیک به عنوان کشور غالب در آفریقای مرکزی گرفته است، در مقابل توتسی ها از هوته ها حمایت فعال و مستقیم کرده است.

دولت کنونی رواندا، خواستار بازگشت اعضای رژیم سابق برای پاسخگویی به اتهام قتل عام سال های گذشته است. بر اساس گزارش های گوناگون، هم اکنون بیش از ۲۰۰/۰۰۰ سرباز دولت سابق رواندا و بیش از ۱۰۰/۰۰۰ میلیشای هوتویی در اردوگاه های پناهندگی وجود دارند. رواندا دولت زئیر را متهم می کند که این واحدهای مسلح را به از سرگیری جنگ داخلی ترغیب و تشویق کرده است. دولت زئیر در مقابل، یورش نظامی دولت رواندا برای تعقیب نیروهای ارتش سابق این کشور و میلیشای هوتو در درون اردوگاه های پناهندگی را، از یک سو و کمک دولت رواندا به نیروهای جبهه دموکراتیک علیه دولت

موبوتو را، از سوی دیگر، علت اصلی بحران اعلام کرده است.

در میان کشورهای غربی نیز پیرامون چگونگی برخورد به مسأله چند دستگی و اختلاف نظر وجود دارد. دولت فرانسه آشکارا خواهان دخالت نظامی برای نجات دولت موبوتو و همچنین کمک به اعضای رژیم سابق رواندا که در زئیر پناهنده هستند، می باشد. نکته جالب این است که با تشدید بحران در زئیر و افزایش امکان سرنگونی دولت فاسد و وابسته زئیر، موبوتو، دیکتاتور این کشور به بهانهٔ معالجه به سوئیس و فرانسه مسافرت کرده است.

نکته قابل توجه دیگر آنکه، دخالت نظامی در منطقه هنگامی سازمان دهی می شود که صدها هزار

ادامه در صفحه ۶

**کمک مالی به حزب توده ایران يك
وظیفه انقلابی است!**

کمک های مالی رسیده

کمک به مناسبت هفتاد و نهمین سالگرد
انقلاب اکتبر ۵۰ پوند

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany

2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:493

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

19 November 1996

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۲۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e. V.

790020580

10050000

Berliner Sparkasse

نام

شماره حساب

کد بانک

بانک